

تأثیر آموزش برنامه تحول نوجوان به والدین بر ارتباط والد-فرزند و کارکرد خانوادگی

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۳/۱۶

سعید اکبری زردخانه^{۱*}، مریم محمودی^۲

چکیده

زمینه و هدف: نوجوانی مرحله مهمی از تحول هر فرد است و امروزه توجه ویژه‌ای در پژوهش‌های مختلف به این دوره می‌شود. پژوهش حاضر با هدف مطالعه تأثیر برنامه آموزشی تحول نوجوان به والدین بر ارتباط والد-فرزند و کارکرد خانوادگی انجام شد.

روش: این پژوهش از نوع شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون تک‌گروهی است. روش نمونه‌گیری به صورت در دسترس و شامل ۴۰ نفر از مادران دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی شهر تهران بود. برنامه آموزشی تحول نوجوان هفته‌ای یک بار و طی ۵ جلسه دوساعته اجرا شد. ابزارهای مورد استفاده شامل سیاهه رابطه والد-کودک (جرارد، ۱۹۹۴) و مقیاس فرایندهای خانوادگی (سامانی، ۱۳۸۶) بود. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس چندمتغیری با طرح اندازه‌گیری مکرر استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان دادند که برنامه آموزشی مذکور تأثیر معناداری بر یکی از خرده‌مقیاس‌های ارتباط والد-کودک داشته و موجب شده که ایجاد محدودیت افزایش یابد. همچنین نتایج نشان داد برنامه آموزشی بر خرده‌مقیاس‌های انسجام و احترام متقابل، مهارت مقابله، تصمیم‌گیری، و حل مسئله اثر معناداری داشته است در حالی که بر خرده‌مقیاس‌های مهارت‌های ارتباطی و باورهای مذهبی اثر معناداری نداشته است.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج برنامه آموزشی، می‌توان برنامه آموزش تحول نوجوانی را به عنوان برنامه‌ای مؤثر به خصوص برای بهبود کارکرد خانوادگی پیشنهاد داد.

کلیدواژه‌ها: رابطه والد-کودک، فرایندهای خانوادگی، تحول نوجوانی، آموزش والدین

۱. *نویسنده مسئول: استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (akbari76ir@yahoo.com)

۲. دانشجوی دکتری روان‌شناسی کودکان با نیازهای ویژه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (mahmoody_m@ut.ac.ir)

مقدمه

نوجوانی دوره گذر از دوران کودکی به بزرگسالی است که با تغییرات شناختی، رفتاری و اجتماعی همراه می شود. این دوره، زمان شکل گیری بخش مهمی از خودپنداشت است. پژوهشگران تحولی بر تبیین این که چگونه نوجوانان می توانند خودپنداشت خود را شکل دهند و چطور آگاهی آنها از خود، روابط آنها را با دیگران، به ویژه افراد خانواده را تحت تأثیر قرار می دهد، تمرکز دارند (۱). برحسب نظریه وضعیت هویت^۱ (۲و ۳) نوجوانان هویت خود را به عنوان بخشی از خود منسجم و یکپارچه تشکیل می دهند. فرایند هویت یابی با تنش رو به افزایش بین نیاز به خودمختاری^۲ و افزایش همناوی با انتظارات مشخص می شود که برای کسب الگوهای رفتاری متناسب ضروری است (۴). پژوهش ها به طور غالب بر مخالفت هایی بین نوجوانان و والدین آنها دلالت دارد که جزء اجتناب ناپذیر این فرایند و نیاز به خودمختاری نوجوان است. چنین تغییراتی می تواند منبع تعارضات خانوادگی باشد (۵).

به این ترتیب، روابط با والدین در طول دوره نوجوانی دستخوش تغییر می گردد، به طوری که آنها در تقلای تحول و شکل گیری خودمختاری هستند و مقدار زمان کمی را با والدین خود می گذرانند؛ هرچند باید توجه داشت که در سراسر این دوره درجه متوسطی از تعارض والد-نوجوان طبیعی است (۶و ۷). پژوهش ها اشاره دارند که تعارض با والدین در اوایل تا اواسط نوجوانی به بالاترین حد خود می رسد و سپس همان طور که نوجوان پخته می شود، این تعارض کاهش می یابد (۸و ۹). نوجوانان بزرگ تر گرایش به حمایت کمتر (۱۰) و خودمختاری بیشتر (۱۱) در ارتباط خود با والدین نسبت به نوجوانان سنین پایین تر دارند؛ با این حال مطالعات پیشنهاد کرده اند که صمیمیت هیجانی^۳ با والدین در

طول این دوره باثبات باقی می ماند (۱۱و ۱۲). البته صمیمیت هیجانی فرزندان با والدین می تواند متأثر از عوامل دیگر روانی-اجتماعی از جمله هوش هیجانی (۱۳) و دارا بودن مهارت های زندگی (۱۴) نیز باشد.

نتایج پژوهش ون رازین، فسکو و دایشن بر اهمیت ارتباط خانوادگی دلالت دارد (۱۵) و راستی، پویایی خانواده، به ویژه روابط والد-کودک، در بین قوی ترین پیش بینی کننده های سازش یافتگی کودک و نوجوان است (۱۶). در واقع تعاملات والد-کودک در نوجوانی بر شکل گیری و ارزیابی هویت و تغییرات کیفی در جدایی و دلبستگی هیجانی رو به ظهور در بزرگسالی، اثر دارد (۱۷)؛ به طوری که میزان نظارت والدین بر ارتباط با همسالان منحرف می تواند پیش بینی کننده سوء مصرف مواد در اوایل نوجوانی باشد. همچنین عموماً نقش ارتباط خانوادگی برای پیش بینی استفاده مواد تا اواخر نوجوانی ادامه دارد، بنابراین نظارت والدین و کیفیت ارتباط خانوادگی به طور غیرمستقیم استفاده از مواد را در آینده از طریق همسالان منحرف پیش بینی می کند.

ارتباط مثبت والد-نوجوان از جمله سطوح بالای حمایت (۱۸و ۱۹)، صمیمیت^۴ (۲۰) و تأیید^۵ (۱۹) با سطوح پایین تری از نشانگان افسردگی در افراد جوان مرتبط می شود. سمنتانا (۱۹۹۵) توانست نشان دهد که فرزندپروری مستبدانه^۶ والدین با تعارض والد-کودک مرتبط بود. در حالی که در جه ای از تعارض با والدین در طول نوجوانی طبیعی است (۲۱)، تعارض مکرر، شدید و طولانی با سازش یافتگی روان شناختی ضعیف مرتبط می شود (۲۲). در مقابل ارتباط منفی والد-نوجوان، از جمله سطوح بالای مهارگری مستبدانه والدین^۷ و دخالت گری

1. Identity status theory

2. Autonomy

3. Emotional closeness

4. Warmth

5. Approval

6. Authoritarian

7. Authoritarian parental control

بتوانند به شیوه مناسبی بر نوجوانان خود نظارت داشته و با آنان ارتباط برقرار کنند.

روش

الف. طرح پژوهش و شرکت کنندگان: پژوهش حاضر از نوع شبه آزمایشی با طرح پیش آزمون- پس آزمون تک گروهی است. گروه نمونه به صورت در دسترس شامل ۴۰ نفر از مادران دانش آموزان مدارس غیرانتفاعی شهر تهران بود. این گروه متشکل از ۱۱ مادر (۲۷/۵ درصد) شاغل و ۲۹ نفر (۷۲/۵ درصد) غیر شاغل بودند. دوازده نفر (۳۰ درصد) از این مادران دارای تحصیلات زیردیپلم و دیپلم، چهار نفر (۱۰ درصد) فوق دیپلم، ۱۷ نفر (۴۲/۵ درصد) لیسانس و ۵ نفر (۱۲/۵ درصد) فوق لیسانس و بالاتر هستند و دو نفر نیز تحصیلات خود را یادداشت نکرده اند. میانگین سن این مادران ۴۰/۶۵ سال (با انحراف استاندارد ۷/۸۶) و دامنه تعداد فرزندان بین ۱ تا ۴ نفر (با میانگین ۲/۳۰ و انحراف استاندارد ۰/۷۲) گزارش شده است.

ب. ابزارهای اندازه گیری: سیاهه رابطه والد- کودک: سیاهه رابطه والد- کودک^۳ توسط جرارد (۱۹۹۴) ساخته شده و شامل ۷۸ گویه، ۷ خرده مقیاس اصلی و یک خرده مقیاس روایی است. شیوه پاسخدهی به آن در مقیاس لیکرت چهاردرجه‌ای (هرگز= ۱ تا همیشه= ۵) است. این پرسش نامه رابطه میان والدین و فرزندان را ارزیابی می کند و توسط والدین تکمیل می شود. حمایت والدینی^۴، رضایت از فرزند پروری^۵، مشارکت در فرزندپروری، ارتباط با فرزند، ایجاد محدودیت^۶، خودمختاری^۷ و جهت گیری نقش^۸ از مقیاس های اصلی و مقبولیت اجتماعی^۹ مقیاس فرعی است. ضریب همسانی درونی گزارش شده برای این ابزار ۰/۸۲ و ضریب بازآزمایی آن ۰/۸۱ است (۳۱). در این پژوهش از فرم کوتاه

افراطی^۱ (۲۳) و سطوح پایین ارتباط والدین ادراک شده^۲ (۲۴) به طور معناداری با بهزیستی منفی در نوجوانی مرتبط، و اختلاف بیشتر در بین نوجوان و والدین با رضایت از زندگی پایین تر نوجوانان مرتبط است (۲۵). به علاوه سطوح بالای انتقاد والدین با رفتار خودآسیبی در افراد جوان (۲۶) و پیش بینی کننده معناداری از آشفتگی در نوجوانان (۲۷) مرتبط بوده است.

در این راستا، مطالعات در ارتباط با فرزندپروری در پی این هستند که چطور والدین می توانند تحول خود نوجوان را با دادن خودمختاری به فرزند خویش، در آنها تسهیل و ارتباط بین نسلی را بهبود بخشند (۲۸). از آن جایی که در این دوره فرزندان در مقایسه با اوایل کودکی نسبت به ارزش های والدین خود حساس تر می شوند (۲۹)، در نتیجه ارتباط های خانوادگی اهمیت می یابد به طوری که یکی از مواردی که می تواند در تأثیرپذیری از ارزش های والدین اهمیت ویژه ای داشته باشد، کیفیت بهتر روابط خانوادگی است (۳۰). به عبارت دیگر در نوجوانان از خانواده های با ارتباط بهتر، احتمال بیشتری وجود دارد تا ارزش های خانوادگی خود را بپذیرند. ون رازین و همکاران بیان کرده اند که وجود مداخلات خانوادگی که افزایش دهنده نظارت والدین بر نوجوان سنین راهنمایی و دبیرستان باشد، برای کاهش خطر استفاده از مواد مؤثر هستند و به طور مشابهی، مداخلاتی که ارتباط والد- جوان را از طریق حل تعارضات، برقراری ارتباط و اعتماد هدف قرار می دهند، می توانند خطرات پیش روی نوجوان را در این زمینه (مصرف مواد) به طور معناداری کاهش دهند (۱۵).

با توجه به تغییرات نوجوانی در جنبه های حساس ارتباطی و تعامل با افراد به خصوص افراد خانواده و اهمیت این دوره در آینده فرد، هدف پژوهش حاضر آموزش برنامه تحول نوجوان به والدین است تا با آشناسازی بحران ها و تحولات این دوره،

6. Limit setting
7. Autonomy
8. Role orientation
9. Social desirability

1. Over-intrusive
2. Perceived parental communication
3. Parent- Child Relationship Inventory (PCR)
4. Parental support
5. Satisfaction with parenting

این کارگاه آموزشی با استفاده از رویکرد شناختی رفتاری تدوین شده و مدل نظری و مفهومی آن از نظریه های تحولی گرفته شده است. پس از اعلان عمومی در یکی از مدارس شهر تهران از والدین دارای نوجوان جهت شرکت در جلسه عمومی معرفی و تبیین هدف های کارگاه تحول اوایل نوجوانی دعوت به عمل آمد. در انتهای این جلسه از افراد علاقه مند برای کارگاه ثبت نام به عمل آمد. به دلیل استقبال زیاد از کارگاه، امکان وارد کردن تمامی آنها در یک کارگاه ممکن نشد. از این رو این دو گروه ۲۰ نفری تشکیل شد. به منظور اجرای مداخله، دو گروه در دو کارگاه آموزشی مجزا و با شرایط و برنامه آموزشی کاملاً یکسان، هفته ای یک بار و طی ۵ جلسه دوساعته آموزش را دریافت نمودند.

این کارگاه در نیمه دوم سال ۱۳۹۳ و محل برگزاری آن یکی از پژوهشکده های فعال در زمینه خانواده و واقع در شهر تهران بود. لازم به ذکر است که در این کارگاه فقط مادران شرکت داشته اند. اجرای کارگاه توسط مدرسان آموزش دیده و تحت سرپرستی یک متخصص روان شناسی بالینی صورت گرفت. در جلسات اول و آخر کارگاه نیز پیش آزمون و پس آزمون اجرا شد. همچنین در پایان هر جلسه یک کلیپ اخلاقی- تربیتی به مدت چند دقیقه برای مخاطبان پخش شد. محتوای کارگاه تحول نوجوان به شرح جدول ۱ است.

این سیاهه و خرده مقیاس های ارتباط با فرزند، ایجاد محدودیت و رضایت از فرزند پروری، استفاده گردید. ضرایب همسانی درونی به دست آمده برای این خرده مقیاس ها در پژوهش حاضر بین ۰/۷۹ و ۰/۸۴ بوده است.

مقیاس فرایندهای خانوادگی: این مقیاس بر اساس مدل محتوا و فرایند خانواده^۱ و توسط سامانی (۱۳۸۶) برای اندازه گیری فرایندهای درون خانوادگی خانواده های ایرانی ساخته شده است. این ابزار دارای پنج خرده مقیاس مهارت ارتباطی، انسجام و احترام متقابل^۲، مهارت مقابله، تصمیم گیری و حل مسئله، و باورهای مذهبی است. ضرایب همسانی درونی خرده مقیاس های این ابزار بین ۰/۸۱ و ۰/۸۹ و روایی آن مناسب گزارش شده است (۳۲). در پژوهش حاضر این ضرایب در دامنه ۰/۷۲ و ۰/۸۰ بود.

روش اجرا: کارگاه آموزشی تحول نوجوان ۱ برای والدینی طراحی شده است که فرزندان شان در دوره نوجوانی (۱۲ تا ۱۳ سالگی) بوده و به اقتضای سن خود رفتاری طبیعی دارند، نه آنها که اختلال های رفتاری داشته و به کمک متخصص نیاز دارند. هدف این کارگاه آموزشی ارائه اطلاعاتی از ویژگی های نوجوان در این دوره و آموزش شیوه های مؤثر برای برخورد های مستمری است که با نوجوانان در این مرحله پیش می آید؛ به گونه ای که مدیریت خانواده را ساده تر سازد و درگیری های روزمره را کاهش دهد.

جدول ۱. محتوای کارگاه آموزشی تحول نوجوانی ۱

جلسه	عنوان	محتوی و تکنیک های آموزش داده شده
یکم	راهکارهای ارتباطی غیرمؤثر	۱. امر و نهی کردن، دستور دادن؛ ۲. تهدید کردن، خط و نشان کشیدن؛ ۳. موعظه و نصیحت کردن؛ ۴. توصیه کردن و ارائه راه حل؛ ۵. سخنرانی کردن؛ ۶. انتقاد کردن و مقصر دانستن؛ ۷. تعریف و تمجید کردن؛ ۸. تحقیر و شرمندگی کردن؛ ۹. تعبیر و تفسیر کردن؛ ۱۰. همدردی، حمایت کردن و اطمینان دادن؛ ۱۱. سؤال پیچ کردن؛ ۱۲. حرف را عوض کردن، کنار کشیدن و نیشخند زدن.
دوم	ارتباط مؤثر	۱- گوش کردن فعال: منظور از گوش کردن فعال چیست؟ ۲- استفاده از جملاتی که با «من» آغاز می شود.
سوم	آشنایی با برخی از ویژگی های اوایل نوجوانی ویژگی های اوایل نوجوانی	ویژگی های اوایل نوجوانی رشد ذهنی

چهارم	آشنایی با رشد مفهوم خود	رشد جسمی	یکی از مسائل شایع رشد ذهنی: مخالفت با اقتدار والدین
			یکی از مسائل شایع رشد شخصیتی: ابراز وجود
پنجم	آشنایی با رشد اجتماعی و عاطفی در اوایل نوجوانی	رشد عاطفی	یکی از مسائل شایع رشد اجتماعی: انتخاب دوست
			یکی از مسائل شایع رشد عاطفی: طغیان احساسات

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی حاصل از ابزارهای پژوهش در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. خلاصه یافته‌های توصیفی نمره‌های سیاهه رابطه والد- کودک و فرایندهای خانوادگی گروه نمونه در مراحل پیش و پس‌آزمون

پیش‌آزمون		پس‌آزمون		خرده‌مقیاس	مقیاس
میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار		
۴۲/۰۰	۳/۵۶	۴۲/۴۶	۳/۹۱	رضایت از فرزند پروری	ارتباط
۳۳/۹۱	۲/۹۵	۳۳/۹۴	۲/۸۳	ارتباط با فرزند	والد-
۳۳/۳۲	۵/۱۵	۳۴/۷۰	۴/۳۱	ایجاد محدودیت	فرزند
۱۶/۰۶	۲/۹۰	۱۶/۶۶	۲/۵۸	مهارت ارتباطی	فرایندهای خانوادگی
۳۰/۰۳	۴/۷۱	۳۱/۵۵	۴/۱۶	انسجام و احترام متقابل	
۲۱/۵۹	۲/۲۸	۲۲/۲۲	۱/۸۶	باورهای مذهبی	
۳۷/۹۲	۶/۴۷	۴۰/۰۸	۵/۴۵	مهارت مقابله	
۳۲/۰۲	۵/۳۳	۳۳/۵۸	۴/۶۴	تصمیم‌گیری و حل مسئله	

یافته‌های توصیفی گروه نمونه بر اساس مقیاس ارتباط والد-فرزند نشان می‌دهند که شرکت در کارگاه آموزشی، منجر به افزایش کمی در میانگین خرده‌مقیاس‌های این مقیاس در مرحله پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون شده است، این در حالی است که داده‌های حاصل از مقیاس فرایندهای خانوادگی نشان از افزایش میانگین برخی از خرده‌مقیاس‌ها دارد.

برای تحلیل داده‌های مربوط به مقیاس والد-فرزند از تحلیل واریانس چندمتغیری با طرح اندازه‌گیری مکرر استفاده

شد. لازم به ذکر است که قبل از انجام تحلیل در گام اول غربالگری نمرات خرده‌مقیاس‌ها به منظور شناسایی داده‌های پرت و خارج از دامنه صورت گرفت. بررسی فاصله ماهالانوبیس^۱ این داده‌ها نیز نشان داد این مقدار بیشینه این شاخص برای متغیرها ۱۳/۳۸ است که مقدار بیشینه آن کمتر از مقدار بحرانی آن (توزیع خی دو با درجه آزادی ۶) یعنی ۱۶/۸۱ است. از سوی دیگر شاخص بیشینه مقدار فاصله کوک^۲ برای این داده‌ها نیز ۰/۶۱ به دست آمد که از مقدار

1. Mahalanobis distance

2. Cook's distance

بحرانی آن یعنی یک کمتر است. در گام بعدی توزیع بهنجار متغیرها، رابطه خطی، نبود رابطه همخطی چند گانه متغیرهای وابسته مورد بررسی قرار گرفت (۳۳ و ۳۴).

بهنجاری توزیع نمرات نیز با بررسی شاخص ویلک-شاپیرو^۱ انجام شد. بررسی این مفروضه با داده‌های پژوهش حاضر نشان از برقراری آن داشت. به پیشنهاد میرز و همکاران، در صورتی که این شاخص در سطح کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنادار نباشد، می‌توان برقراری توزیع بهنجار را برای متغیرهای مورد بررسی در نظر گرفت (۳۳). خطی بودن رابطه بین متغیرها نیز با بررسی نمودار پراکنش داده‌ها صورت گرفت که این نمودارها مورد خاصی از غیرخطی بودن را نشان نداد. برقراری مفروضه همخطی و تکینی از طریق بررسی کمترین مقدار ضرایب تحمل^۲ (۰/۲۴) و بیشترین مقدار عامل افزایش واریانس^۳ (۴/۱۵) متغیرهای وابسته نشان داد که نمرات هیچ یک از خرده‌مقیاس‌ها دارای شرایط همخطی نیستند. این یافته

بدین معنا است که بخش اعظمی از واریانس این متغیرها به وسیله سایر متغیرهای موجود در پژوهش تبیین شده و واریانس یگانه^۴ معناداری برای تحلیل دارا است (۳۴). بنابراین پس از اطمینان از برقراری مفروضه‌ها، تحلیل داده‌ها و آزمون وجود یا عدم وجود تفاوت معنادار آماری در بین میانگین‌های خرده‌مقیاس‌های مراحل پیش و پس آزمون انجام شد. نتایج حاصل از آزمون درون آزمودنی داده‌های مقیاس والد-فرزند نشان داد که نیمرخ میانگین‌های دو مرحله پیش آزمون و پس آزمون تفاوت معناداری از هم ندارند $\eta^2 = 0/17$ و $0/05 < p$ و $df = (3 و 29)$ و $F = 1/89$ و $W = 0/84$. بررسی نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه هم نشان داد که تنها میانگین‌های خرده‌مقیاس ایجاد محدودیت بین مراحل پیش آزمون و پس آزمون تفاوت معناداری در سطح $p < 0/05$ دارند (جدول ۳). اندازه اثر مربوط به این خرده‌مقیاس‌ها در دامنه ضعیف قابل طبقه‌بندی است.

جدول ۳. خلاصه یافته‌های تحلیل واریانس یک‌راهه میانگین خرده‌مقیاس‌های رابطه والد- کودک

خرده‌مقیاس	نوع سوم مجموع مجذورات	درجات آزادی	نسبت F	سطح معناداری	مربع ایتای سهمی
رضایت از فرزندپروری	۳/۳۵	۱	۱/۵۴	۰/۲۲	۰/۰۵
ارتباط با فرزند	۰/۰۲	۱	۰/۰۱	۰/۹۳	۰/۰۰۱
ایجاد محدودیت	۳۰/۲۷	۱	۵/۶۷	۰/۰۲	۰/۱۶

در مورد داده‌های مربوط مقیاس فرایند های خانوادگی بررسی فاصله ماه‌الانوبیس نشان داد که مقدار بیشینه این شاخص برای داده‌های حاضر ۲۰/۷۰ است که مقدار بیشینه آن کمتر از مقدار بحرانی آن (توزیع خی دو با درجه آزادی ۱۰) یعنی ۲۳/۲۱ است. از سوی دیگر شاخص بیشینه مقدار فاصله کوک برای این داده‌ها نیز ۰/۳۲ به دست آمد که از مقدار بحرانی آن یعنی یک کمتر است. بررسی شاخص

ویلک-شاپیرو نیز نشان از برقراری توزیع بهنجار برای داده‌های مربوط به فرایند های خانوادگی داشت. نمودار پراکنش متغیرها نیز مشکلی برای پذیرش غیرخطی بودن روابط نشان ندادند. کمترین مقدار ضرایب تحمل (۰/۱۱) و بیشترین مقدار عامل افزایش واریانس (۸/۹۸) متغیرهای وابسته نشان داد که نمرات هیچ یک از دو خرده‌مقیاس‌ها دارای شرایط همخطی نیستند. لذا پس از اطمینان از برقراری مفروضه‌ها،

3. Variance Increasing Factor (VIF)

4. Unique variance

1. Shapiro- Wilk

2. Tolerance

انجام تحلیل اندازه‌گیری‌های مکرر و آزمون اثرات درون‌آزمودنی‌ها بر روی داده‌های حاصل از مقیاس فرایندهای خانوادگی نشان داد نیمرخ میانگین‌های دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون تفاوت معناداری از هم دارند ($\eta^2 = 0/37$ و $0/05$ و $p < 0/05$) و $df = 27$ و $F = 3/23$ و $W = 0/63$). بررسی نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه هم نشان داد که در بین این دو مرحله میانگین خرده‌مقیاس‌های انسجام و احترام متقابل، مهارت مقابله و تصمیم‌گیری، و حل مسئله تفاوت معناداری در

سطح $0/05 < p$ دارند و این در حالی است که میانگین‌های دو خرده‌مقیاس مهارت‌های ارتباطی و باورهای مذهبی تفاوتی در این سطح معناداری نشان ندادند (جدول ۴). مقایسه اثربخشی آموزش ارائه‌شده بر اساس شاخص مربع ایتای سهمی بر خرده‌مقیاس‌های فرایندهای خانوادگی نشان می‌دهد بالاترین اندازه اثر آن بر خرده‌مقیاس‌های انسجام و احترام متقابل و تصمیم‌گیری و حل مسئله بوده است.

جدول ۴. خلاصه یافته‌های تحلیل واریانس یک‌راهه میانگین خرده‌مقیاس‌های فرایندهای خانوادگی

خرده‌مقیاس	نوع سوم مجموع مجزورات	درجات آزادی	نسبت F	سطح معناداری	مربع ایتای سهمی
مهارت ارتباطی	۵/۷۶	۱	۳/۶۶	۰/۰۶	۰/۱۱
انسجام و احترام متقابل	۳۶/۸۳	۱	۱۱/۹۹	۰/۰۰۲	۰/۲۸
باورهای مذهبی	۶/۲۵	۱	۳/۶۱	۰/۰۶	۰/۱۰
مهارت مقابله	۷۴/۰۱	۱	۹/۰۰	۰/۰۰۵	۰/۲۳
تصمیم‌گیری و حل مسئله	۳۹/۱۵	۱	۱۱/۵۷	۰/۰۰۲	۰/۲۷

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مطالعه تأثیر برنامه آموزشی تحول نوجوان به والدین بر ارتباط والد-فرزند و کارکرد خانوادگی انجام شد. یافته‌ها نشان دادند که ارتباط والد-کودک بعد از برنامه آموزشی تغییر قابل توجهی نداشته و از بین خرده‌مقیاس‌های آن، تنها مورد ایجاد محدودیت، افزایش معناداری را دربرداشتته است؛ در واقع با توجه به اندازه اثر خرده‌مقیاس‌ها می‌توان اذعان داشت که برنامه آموزشی حاضر دارای اثرات ضعیفی بوده است. متغیر وابسته دیگری که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفت، فرایندهای خانوادگی بود که بعد از آموزش برنامه حاضر تغییر محسوسی را نشان داد و از بین خرده‌مقیاس‌های آن، انسجام و احترام متقابل، مهارت مقابله و تصمیم‌گیری، و حل مسئله افزایش معناداری داشتند؛ در حالی که خرده‌مقیاس‌های دیگر فرایندهای خانوادگی از جمله مهارت‌های ارتباطی و باورهای مذهبی هر چند در

میانگین‌های خود، افزایشی را در دامنه گرایش به معناداری نشان داد، ولی به هر حال معنادار نبودند. نکته دیگری که از یافته‌ها مشخص شد این بود که بیشترین اثر آموزشی برنامه حاضر بر خرده‌مقیاس انسجام و احترام متقابل و تصمیم‌گیری و حل مسئله بوده است.

با توجه به این که در مقیاس ارتباط والد-فرزند، خرده‌مقیاس ایجاد محدودیت افزایش معناداری را نشان داده است، شاید این افزایش را بتوان به این موضوع نسبت داد که والدین پس از آشنایی با اهمیت این دوره، این فرض را در نظر گرفتند که اگر در همین ابتدا محدودیت بیشتری برقرار کنند می‌توانند مهارت‌های بیشتری بر فرزند خود در طول دوره‌های بعدی داشته باشند، و بنابراین ممکن است محدودیت خود را افزایش داده باشند. دو خرده‌مقیاس دیگر مقیاس ارتباط والد-کودک، یعنی رضایت از فرزندپروری و ارتباط با فرزند، هر چند افزایشی را در میانگین‌ها داشتند، ولی این میزان ضعیف

مسئله افزایش معناداری داشته‌اند که این یافته با محتوای برنامه آموزشی در آموزش راهکارهای ارتباطی و روی آورد شناختی- رفتاری که برنامه حاضر در آموزش این راهکارها به کار می‌گیرد، همسو است.

پژوهش حاضر خالی از محدودیت پژوهشی نیز نبود. یکی از محدودیت‌ها این بود که ابزارهای به کار گرفته شده فقط توسط والدین تکمیل شد و هیچ نقطه نظری در ارتباط با دیدگاه نوجوانان در ارتباط با تغییرات صورت گرفته در رفتار والدین آنها جمع‌آوری نشد؛ از این رو به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های خود در صورت امکان از نظرات والدین و نوجوانان جمع‌آوری و مقایسه گردد. به علاوه، طرح آزمایشی مورد استفاده طرحی است فاقد گروه کنترل و از این رو نمی‌توان با اطمینان اذعان داشت که تغییرات ایجاد شده ناشی از اثرات برنامه آموزشی بوده، به طوری که شاید والدین تحت تأثیر موارد دیگری از جمله حساس سازی به وسیله ابزارها در پیش‌آزمون بوده‌اند. بنابراین برای برطرف شدن این محدودیت پیشنهاد می‌گردد که در پژوهش‌های آتی از گروه کنترل نیز استفاده شود. همچنین پیشنهاد می‌گردد متغیرهای دیگری مانند ویژگی‌های شخصیتی والدین و نوجوان که می‌تواند به عنوان متغیر تعدیل‌گر در اثرگذاری مداخلات برنامه‌های آموزشی نقش داشته باشند، مورد توجه قرار گیرد. در پایان، نکته دیگری که می‌تواند به عنوان پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی مورد توجه قرار گیرد، آموزش تغییرات و تحولات نوجوانی به خود نوجوان است؛ بنابراین به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که در برنامه خود آموزش مستقیم نوجوانان را نیز مدنظر قرار دهند و میزان تأثیر آن را با آموزش والدین به تنهایی و به صورت ترکیبی مورد مقایسه قرار دهند.

تقدیر و تشکر: از جناب آقای دکتر محسن شکوهی یکتا- دانشیار محترم دانشگاه تهران- و همکاران پژوهشکده روزبه که در تمامی مراحل انجام این پروژه پژوهشی و

بوده است. شاید این میزان افزایش، اگر ارزیابی پیگیرانه به عمل می‌آمد در طول زمان افزایش می‌یافت. به هر حال اوایل نوجوانی دوره حساسی است و در واقع دوره نوجوانی به بعد زمانی است که فردیت^۱ به عنوان یک امر مهم تحولی در نوجوانی مورد ملاحظه قرار می‌گیرد (۳۵) و شاید این عامل به عنوان متغیری مداخله‌گر در اثرگذاری برنامه حاضر در بهبود ارتباط والد- کودک تداخل ایجاد می‌کند. فردیت به معنای به دست آوردن خودمختاری است، در حالی که تعلق به والدین حفظ می‌شود. به این ترتیب خودمختاری عامل مهمی در نوجوانی است که می‌تواند گاه از دیدگاه والدین به صورت رفتارهای سرکشانه تلقی شده و ممکن است مانع ارتباط مؤثر گردد. همچنین عوامل دیگری از جمله شخصیت والدین و نوجوان (۳۶ و ۳۷) نیز در ارتباط والد- فرزند در دوره نوجوانی تأثیر می‌گذارند که باید در برنامه‌های آموزشی به این مهم نیز توجه گردد.

علاوه بر موارد گفته شده، در ارتباط با رضایت از فرزندپروری می‌توان اشاره داشت که این مورد احتمالاً نیاز به گذشت زمان دارد و والدین با توجه به کاربست آموزه‌های حاصل از کارگاه آموزشی و آگاهی از زیر و بم‌ها و نوسانات دوره نوجوانی، ممکن است به این مورد پی ببرند که روش‌های فرزندپروری آنها آن قدر هم دچار اشکال نیست که مشکلات رفتاری فرزندان خود را بیشتر به تحولات این دوره نسبت دهند. والدین با آموزش در زمینه نوجوانی متوجه می‌شوند فرزند آنان که به تازگی ساختارهای شناختی را اکتساب کرده، ممکن است در درک دیدگاه والدین خود مشکل داشته و در اوایل و اواسط نوجوانی میانی هنوز به لحاظ ساختارهای شناختی بی‌ثبات باشد (۳۸ و ۳۹)، بنابراین والدین احتمالاً صبوری بیشتری نشان می‌دهند و در نتیجه از فرزندپروری خود احساس رضایت بیشتری می‌کنند.

همان‌طور که در قسمت یافته‌ها بیان شد، خرده‌مقیاس‌های انسجام و احترام متقابل، مهارت مقابله و تصمیم‌گیری و حل

استخراج مقاله، نویسندگان را یاری داده‌اند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

References

1. Kwak K. Adolescents and Their Parents: A Review of Intergenerational Family Relations for Immigrant and Non-Immigrant Families. *Human Development*. 2003; 46: 115–136.
2. Erikson E. Identity, youth, and crisis. New York: Norton; 1986.
3. Marcia, JE. Development and validation of ego-identity status. *J Pers Soc Psychol*. 1966; 3(5): 551–558.
4. Padilla-Walker L. Characteristics of mother–child interactions related to adolescents’ positive values and behaviors. *J Marriage Fam*. 2007; 69(3): 675–686.
5. Smetana JG. An Adolescent-parent conflict: Implications for adaptive and maladaptive development. In Cicchetti D, Toth S; editors. Rochester symposium on developmental psychopathology. Rochester: University of Rochester Press; 1996.
6. Montemayor R. Parents and adolescents in conflict: all families some of the time and some families most of the time. *J Early Adolesc*. 1993; 3(1-2): 83–103.
7. Santrock JW. Adolescence. 9th ed. Iowa: McGraw-Hill; 2003.
8. De Goede I, Branje S, Meeus W. Developmental changes in adolescents’ perceptions of relationships with their parents. *J Youth Adolesc*. 2009; 38(1): 75–88.
9. Furman W, Buhrmester D. Age and sex difference in perceptions of networks of personal relationships. *Child Dev*. 1992; 63(1): 103–115.
10. Cheng S, Chan ACM. The multidimensional scale of perceived social support: dimensionality and age and gender differences in adolescents. *Personality and Individual Differences*. 2004; 37(7): 1359–1369.
11. Mayseless O, Wiseman H, Hai I. Adolescents’ relationships with father, mother, and same-gender friend. *J Adolesc Res*. 1998; 13(1): 101–123.
12. Smetana JG, Metzger A, Campione-Barr N. African American late adolescents’ relationships with parents: developmental transitions and longitudinal patterns. *Child Development*. 2004; 75(3): 932–947.
13. Ahmadi Tahour-soltani M, Karimi M, Hosseini-Almadani A. Comparison of Emotional Intelligence and Self-Regulation of High School Gifted and Regular First Grade Students. *Applied Research in Educational Psychology*. 2014; 1(1): 71–79.
14. Yousefi R, Saffari M, Adhamian E. Effectiveness of Life Skills Training on Aggression and Family Cohesion among students. *Applied Research in Educational Psychology*. 2014; 1(1): 40–51.
15. Van Ryzina MJ, Fosco GM, Dishion T J. Family and peer predictors of substance use from early adolescence to early adulthood: An 11-year prospective analysis. *Addict Behav*. 2012; 37(12): 1314–1324.
16. Parke RD, Buriel R. Socialization in the family: ethnic and ecological perspectives. In Eisenberg N; editor. *Handbook of child psychology*. John Wiley & Sons; 2006.
17. Luyckx K, Soenens B, Vansteenkiste M, Goossens L, Berzonsky M. Parental psychological control and dimensions of identity formation in emerging adulthood. *J Fam Psychol*. 2007; 21(3): 546–550.
18. Helsen M, Vollebergh W, Meeus W. Social support from parents and friends and emotional problems in adolescence. *J Youth Adolesc*. 2000; 29(3): 319–335.
19. Vazsonyi AT, Belliston LM. The cultural and developmental significance of parenting processes in adolescent anxiety and depression symptoms. *J Youth Adolesc*. 2006; 35(4): 491–505.
20. Greenberger E, Chen C, Tally SR, Dong Q. Family, peer, and individual correlates of depressive symptomology among U.S. and Chinese adolescents. *J Consult Clin Psychol*. 2000; 68(2): 209–219.
21. Smetana, J. Conflict and coordination in adolescent-parent relationships. In Shulman S; editor. *Close relationships and socio-emotional development*. 1995; Norwood: Ablex. pp. 155–184.
22. Branje SJT, Hale WW, Frijns T, Meeus WHJ. Longitudinal associations between perceived parent-child relationship quality and depressive symptoms in adolescence. *J Abnorm Child Psychol*. 2010; 38(6): 751–763.
23. Rigby K, Slee PT, Martin G. Implications of inadequate parental bonding and peer victimization for adolescent mental health. *J Adolesc*. 2007; 30(5): 801–812.
24. Ackard DM, Neumark-Sztainer D, Story M, Perry C. Parent-child connectedness and behavioral and emotional health among adolescents. *Am J Prev Med*. 2006; 30(1): 59–66.

25. Phinney JS, Ong AD. Adolescent-parent disagreements and life satisfaction in families from Vietnamese- and European-American backgrounds. *Int J Behav Dev.* 2002; 26(6): 556-561.
26. Wedig MM, Nock MK. Parental expressed emotion and adolescent self-injury. *J Am Acad Child Adolesc Psychiatry.* 2007; 46(9): 1171-1178.
27. Kenny R, Dooley B, Fitzgerald A. Interpersonal relationships and emotional distress in adolescence. *J Adolesc.* 2013; 36(2): 351-360.
28. Feiring C, Taska LS. Family self-concept: Ideas on its meaning. In Bracken BA; editors. *Handbook of self-concept: Developmental, social, and clinical considerations.* New York: John Wiley; 1996.
29. Barni D, Ranieri S, Scabini E, Rosnati R. Value transmission in the family: do adolescents accept the values their parents want to transmit?. *J Moral Educ.* 2011; 40(1): 105-121.
30. Scabini E, Marta E, Lanz M. The transition to adulthood and family relations. An Intergenerational perspective. Hove, UK: Psychology Press; 2006.
31. Gerard AB. *Parent-Child Relationship Inventory (PCRI) Manual.* Los Angeles: WPS; 1994.
32. Samani S. Developing a Family Process Scale for the Iranian Families. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology.* 2008; 14(2): 162-168.
33. Meyers LS, Gamst G, Guarino A. *Applied multivariate research: Design and interpretation.* Thousand Oaks, CA: Sage; 2006.
34. Tabachnick BG, Fidell LS. *Using Multivariate Statistics (5th Ed).* Boston: Pearson Education; 2007.
35. Kruse J, Walper S. Types of individuation in relation to parents: predictors and outcomes. *Int J Behav Dev.* 2008; 32(5): 390-400.
36. Denissen JJA, Van Aken MAG, Dubas JS. It takes two to tango: how parents' and adolescents' personalities link to the quality of their mutual relationship. *Dev Psychol.* 2009; 45(4): 928-941.
37. De Haan AD, Dekovic M, Prinzie P. Longitudinal impact of parental and adolescent personality on parenting. *J Pers Soc Psychol.* 2012; 102(1): 189-199.
38. Golish T D, Caughlin JP. I'd rather not talk about it: Adolescents' and young adults' use of topic avoidance in stepfamilies. *J Appl Commun Res.* 2002; 30(1): 78-106.
39. Kidwell J, Fischer JL, Dunham RM, Baranowski M. Parents and adolescents: Push and pull of change. In McCubbin HI, Figley CR; editors. *Stress and the family: Coping with normative transitions.* New York: Brunner/Mazel; 1983.

The Efficacy of Adolescent Development Training Program to Parent on Parent-Child Relationship and Family Function

Saeed Akbari Zardkhaneh^{*1}, Maryam Mahmoodi²

Received: April 7, 2015

Accepted: June 6, 2015

Abstract

Background and purpose: Adolescence is a critical stage in human development, and has attracted researchers' attention during recent years. This study aimed to investigate the efficacy of adolescent development training program to parent on parent-child relationship and family functions.

Method: Current research was a quasi-experimental study with pretest-posttest and without control group. Sample consisted of 40 mothers of students of private schools in Tehran. The group received a 5-session training program (2 hours/ 1 per week). Data were collected using parent-child relationship inventory (Jerald, 1994) and family processes questionnaire (Samani, 2007), and were analyzed using the analysis of variance with repeated measures.

Results: Findings showed that the training program had a significant impact on one of the subscales of parent-child relationship and increased setting limits. Moreover, results revealed that the training program had significant effects on subscales of family processes, including: coherence and reciprocal respect, coping skills, decision making, and problem solving, while it showed no significant impact on relational skills and religious beliefs.

Conclusion: According to our findings, adolescent development training program can be suggested as an efficient program to improve family function.

Keywords: Parent-child relationship, family processes, adolescent development, parent training.

1. ***Corresponding author:** Assistance Professor, department of psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (akbari76ir@yahoo.com)

2. Ph.D. Student in psychology of exceptional children,, Allameh Tabataba'ie University, Tehran, Iran. (mahmoody_m@ut.ac.ir)